یادداشت

امیدواری در روزگار عسرت

هدی امامی
پژوهشگر اجتماعی

نگارنده این خطوط فردی عادی از دل جامعه اســت و روزگارش را با مردم شــهر می‌گذراند. صبح‌ها که به قصــد حضور در محــل کار از خانه بیرون می‌رود تا شــبانگاه که به منزل بازمی‌گردد لاجرم زمانی را به حشــر و نشر با همشــهریانش می‌گذراند و چشم در چشم ایشــان، فروغ منظر مردمان را با دقت نظاره می‌کند. فروغ دیدگانی کــه در دوران اخیر مه‌گرفته و غبارآلوده شــده است. مردمانی که همچنان پاسخ لبخندهای بی‌دلیل او را با تلخندی آمیختــه با تعجــب لبیک می‌گوینــد و گرچه شانه‌هایشــان از رنج‌هایی که می‌برند سنگین و افتاده شده اســت اما نجیبانه هوای آلوده را دم می‌کشند و دم برنمی‌آورند.

این روزگار عســرت، در دل خود شــداید و تلخی‌هایی دارد. آن‌قدر که ایمان را در جان می‌فشــرد و گاهی دل‌ها را به تردید می‌کشــد که آیا هرمان ما را پایانی اســت؟ اما به همان میزان که امید به تغییر و بهترشــدن احوالات در تن ملت‌ها زنده باشــد، حیات، تداوم و شــکوفایی آن جامعه متصور خواهد بــود، چراکه امید اجتماعی، باور به تغییر و انتظاری اســت برای بهبود که با تصویری از آینده‌ای روشن و دست‌یافتنی بین اذهان یک ملت شکل می‌گیرد و پایدار می‌ماند تا افراد در موطن خود باقی بمانند و دســت از رؤیاهایشــان نشویند.

ملتی که به امکان دگرگونی‌های مثبت امید بسته باشد، همچنان به حرکت و تکاپوی خود برای ساختن ادامه می‌دهد و اگر چراغ امید اجتماعی در میان ملتی خاموش و سرد شود، پایان او رقم خواهد خورد.

امید همان آتش هزاران ســاله‌ای اســت که در جان ملت ایران روشن مانده و از موجودیت او در این ســرزمین پرمخاطره محافظت کرده است. همواره از میان این مردمان نگهبانانی برای شــعله‌ور نگاه‌داشتن امیدواری ملت در روزگار عســرت سر برآورده‌اند و این‌گونه بوده که تاب‌آوری ملت ایران زبانزد شده است.

در وضعیــت اکنون نیز که آتش امید در دل‌ها کم‌فروغ شــده اســت، ندایی برای کارزار نگهبانان امید اجتماعی برخاســته اســت تا دست‌به‌کار شوند و از کیان ســرزمین روشن ایران حفاظت شود. گروهی از اینان باید در همکاری با قــدرت و حاکمیت زمینه‌هــای ارتقای امید اجتماعــی را فراهم آورند. با ترویج مشــارکت اجتماعی واقعی، حس تعلــق را در افراد جامعه افزایش دهند و آنان را در تمامی ســطوح حتی در فرایندهای تصمیم‌گیری به یاری بطلبند. احساس فعلیت و اثرگذار بودن، بذر امید را در قلب‌ها بارور می‌کند. ایجاد فرصت‌هایی برای فعالیت اجتماعی و سیاســی و کار داوطلبانه‌ای که ارزشمند شمرده شده و تقدیر شود می‌تواند در افزایش امید اجتماعی یاریگر باشد.

امیدآفرینــان در صحنه قدرت باید به بازشناســی مختصــات جدید جامعه و تغییــرات ارزش‌های فرهنگــی آن بپردازند و با ایجــاد انعطاف‌پذیری در روند حکمرانی و تغییر ســاختارهای متصلب سیاســی و اجتماعی، فضای به‌شــدت آسیب‌دیده اعتماد بین دولت و ملت را بازسازی کنند. آنچه سخت و اســتوار اســت دود می‌شــود و به هوا می‌رود اما در روزهای تازه پیش‌رو بایــد انعطاف‌پذیری و پذیــرش را در روابــط تقویت کرد تا اســتخوان‌های نظام اجتماعــی در برابر توفان تغییرات درهم نشــکند. علاوه بر این احیای اعتمــاد اجتماعی و تقویت همبســتگی ملی در ســطح دولت ملت، هدف ممتنعــی می‌نماید کــه برای نیل به این مقصد گریزی نیســت جز رادمردی در سیاست‌ورزی و برخورد شــفاف و توأم با صداقت در عملکرد که اعتماد مردم را بازسازی کند.

رادمــرد سیاســت‌ورز باید در گفتــار و کردار خــود نماد مســئولیت‌پذیری، غم‌خــواری و پاســخ‌گویی نســبت بــه رنج‌های مردمــان باشــد. همدلی سیاست‌مداران با خواسته‌های مردم می‌تواند پایه‌های لرزان امید اجتماعی را عمیقا قوت بخشد.

از ســویی واقعیت این است که در دنیای امروز مناسبات مردمان و حاکمیت از طریق میانجی بســیار قدرتمندی تنظیم و برســاخته می‌شود. رسانه‌ها و شــبکه‌های اجتماعی، گوی جادویی بازنمایی‌کننــده واقعیت‌ها برای آحاد ملت‌ها هســتند. ازاین‌رو امیدبانان اصحاب رسانه نیز به اندازه رجال سیاسی و چه‌بسا بیشــتر! این مســئولیت خطیر را بر عهده دارند تا دل جامعه را به امیدواری گرم نگه دارند. امیدآفرینی در رســانه به معنای انکار واقعیت‌ها یا نادیده‌گرفتن مشــکلات نیست بلکه به معنای ترسیم افق‌های روشن و خلق تصاویر امیدبخش از آینده در پیش‌روی مردمان و چاره‌اندیشی و راهگشایی برای مشــکلات موجود است. امیدبانان در رســانه‌ها فارغ از منفعت فردی و جناحی به بیان موفقیت‌های هرچند کوچک می‌پردازند و عاقلانه بر ســر منافع ملی با مخالفان خود به توافق می‌رسند. اینان در آتش نمی‌دمند بلکه شکیبایی، خویشــتن‌داری و تاب‌آوری در روزگار عسرت را به‌گونه‌ای فاعلانه بازنمایی می‌کنند.

نگهبانــان امید در عرصه فرهنگ و هنر نیز به جد نقش‌آفرین هســتند. نیک می‌دانیم که نشاط اجتماعی و امید اجتماعی رابطه هم‌نشینی دارند و موجب تقویــت یکدیگر و در نتیجه تکاپو و تلاش جامعه برای بهبود می‌شــوند. در لحظات نزول شــداید که گریزی از آن نیست، مشعل امید در دست امیدبانان هنرمند قرار می‌گیرد. مردمان ایران بســیاری از مصائب جمعی تاریخی خود را بــه لطف شــاعرانگی و با امداد از طنازی اهل فرهنــگ و هنر گذرانده‌اند. گوهر زبان فارســی با قابلیت‌های شــگفت‌انگیزش نباید مــورد غفلت قرار بگیرد. ادبیات ما را به یکدیگر پیوند می‌دهد. بر این اســاس افزایش شادابی و نشــاط عمومی از طریق برنامه‌های فرهنگــی و تفریحی و در هر فرصت ممکن ملی و مذهبی می‌تواند به ارتقای امید اجتماعی کمک کند.

در پایان این مجال کوتاه دســت یاری می‌طلبیــم. امیدبانان ایران‌زمین بانگ جرســی برخاسته است در این روزگار عسرت تا حرکت و جوششی به پا کنیم و راه هزاران ســاله حراســت از حیات در این ســرزمین پربرکت و نورانی را ادامه دهیم... .

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

مسئله حجاب و دیوان کیفری بین‌المللی

محمدهادی ذاکرحسین
هیئت‌علمی دانشگاه تهران

بیست‌وهفتم آذرماه سال جاری، با اعلام دادستان دیوان کیفری بین‌المللی (دیوان) مســتقر در لاهــه هلند، مبنی بر بازپس‌گیــری تجدیدنظرخواهی دادســتانی نســبت به رأی محکومیــت صــادره علیه آقــای «الحســن آغ عبدالعزیز»، بار دیگــر نام پرونده‌ای بر ســر زبان‌ها افتاد کــه دربردارنده موضوعی است که برای نخستین بار در تاریخ محاکم کیفری بین‌المللی مطرح شده است، یعنی مسئله حجاب و پوشش زنان. اکنون که همین موضوع در ایران نیز به واسطه تصویب قانون «عفــاف و حجاب» در کانون توجــه صاحب‌نظران و موضــوع گفت‌وگوهای انتقــادی موافقــان و مخالفان قرار گرفته است، مروری بر مســئله حجاب در منظر دیوان برای کمک به هم‌اندیشــی‌های داخلــی خالی از فایده نیســت، چراکه یافته‌های دیوان به عنوان مهم‌ترین بازیگر بین‌المللی در نظــام عدالت کیفری جهانــی می‌تواند با ایجــاد رویه و عرف‌ســازی بین‌المللــی چالش‌های حقوقی بــرای دولت جمهوری اســلامی ایــران ایجاد کنــد و در «جنگ حقوقی» علیه آن که از ســوی برخی کنشگران دولتی و غیردولتی در عرصه بین‌الملل دنبال می‌شود به کار آید، به خصوص آنکه «هیئت حقیقت‌یاب» تأسیس‌شــده از ســوی شورای حقوق بشــر ســازمان ملل متحد در ارتباط بــا «ناآرامی‌های ۱۴۰۱» نیز، هرچند خارج از حدود و قلمروی صلاحیتی‌اش، نســبت بــه قانون حجاب ورود داشــته و به این مســئله و موضوع داخلی، وجهی بین‌المللی بخشــیده که شایســته و بایسته است تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان به این بعد و چالش‌ها و پیامدهای حقوقی آن نیز در کنار ســایر وجوه توجه و التفات داشته باشند.

الحسن ۴۷ســاله که خود زاده کشور مالی است، در سال ۲۰۱۲ میــلادی وقتی گروه ســلفی «انصارالدیــن» به همراه گروه شبه‌نظامی «القاعده مغرب» شــهر تاریخی و باستانی «تیمبوکتو» در شمال کشور مالی، که به دلیل وجود قبور اهل عرفان و علم به شــهر ۳۳۳ قدیس معروف شــده، را تحت تصرف خود درآوردند و در ســودای تأسیس حکومتی مبتنی بر احکام شــریعت بر اساس تفسیر و برداشت خود برآمدند، به «پلیس اســلامی» تازه تأسیس‌شــده از سوی انصارالدین پیوست که در کنار نهاد «حسبه» مسئولیت صیانت از احکام و قواعــد ابلاغی از ســوی انصارالدین و اجرای آن از ســوی شهروندان شهر تیمبوکتو را برعهده داشت.

عمر زعامت و حکمرانی انصارالدین البته به درازا نکشید و در اوایــل ســال ۲۰۱۳ میــلادی، دولت مالی بــا همراهی نیروهــای فرانســوی میهمانــان ناخوانده را از شــهر خارج کردنــد. با این حــال، همان چند ماه حکمرانــی انصارالدین شاهد وقوع رفتارهایی بود که بعدها در تور تعقیب دیوان به عنوان رفتارهای ســازنده جنایات بین‌المللی شکار شد. پیش از الحســن، «مهدی الفقی» اولین نفر از انصارالدین و رئیس اولیه نهاد حســبه بود که به اتهــام ارتکاب جنایت جنگی از رهگذر هدایت حملات علیه اموال فرهنگی و تخریب برخی آرامگاه‌ها و بقاع شهر و همچنین در مسجد معروف «سیدی یحیی» که از آثار فرهنگی ثبت‌شــده در یونســکو بود، تحت تعقیب و محاکمه قرار گرفت تا نخستین حکم محکومیت به واســطه ارتکاب جرائم علیه اموال فرهنگی در دیوان صادر شــود. این تخریب‌ها از آن رو بود که انصارالدین این اموال و اماکن را مظاهر شــرک می‌دانست و به گمان خویش در فکر پاکسازی تیمبوکتو از این مظاهر و خرافات و انحرافات فکری شکل‌گرفته در اطراف آنها بود.

بعــد از الفقی، الحســن دومیــن عضــو انصارالدین بود که از ســوی دادســتانی دیوان تحت تعقیب قرار گرفت. در پیاده‌سازی احکام شریعت بنابر تفسیر و فهم انصارالدین، در کنار همه قواعد و مقررات وضع‌شــده و اعلامی و ابلاغی از سوی این گروه که با ضمانت اجرای کیفری و از طریق نظارت حسبه و پلیس اســلامی مورد صیانت قرار می‌گرفت، قواعد و مقرراتی در ارتباط با پوشــش نیز وضع شد که براساس آن هم زنان و هم مردان ســاکن در تیمبوکتو ملزم به رعایت آن بودنــد. به طور خاص و آن‌گونه که دیوان براســاس اســناد و ادله موجود بیان کرده اســت، پوشــاندن موی ســر و عدم استفاده از لباس‌های بدن‌نما برای زنان و پوشاندن لباس‌های بلنــد برای مردان از جمله الزامات پوششــی وضع‌شــده در تیمبوکتو بود که پلیس و حسبه با حضور و گشت‌زنی میدانی اجرای آن از سوی زنان و مردان را رصد و نظارت می‌کردند و در صورت مشاهده نقض، با جلب ناقضان و خاطیان با ایشان برخورد می‌کردند.

براســاس همین داده‌ها بود که دادســتان دیوان از همان ســال ۲۰۱۸ میلادی که درخواســت صدور قرار جلب علیه الحســن را به عنوان یکــی از اعضای مؤثر پلیس اســلامی تیمبوکتو صادر کرد، یک عنوان اتهامی برجسته بود: «تعقیب و آزار مبتنی بر جنســیت». جرم «تعقیب و آزار» بر اســاس اساسنامه دیوان به معنای محروم‌سازی اعضای یک گروه از حقوق بنیادینی اســت که به همراه سایر رفتارهای مجرمانه داخل در صلاحیت دیوان ارتکاب می‌یابد. یکی از گروه‌هایی که ممکن اســت هدف و قربانی این نــوع تعقیب و آزار قرار بگیرد، گروه‌های جنســیتی یعنی زنان و مردان به واسطه زن یا مرد بودن اســت. از دیرباز نیز، سیاست و خط‌مشی اعلامی دادستانی دیوان اولویت‌بخشــی به تعقیب جرائم مبتنی بر جنســیت در قیاس با ســایر جرائم ارتکابی با هدف حمایت ویژه از قربانیان این جرم بوده اســت. با همین نگاه، دادستان دیوان بر این باور بود که تحمیل قواعد پوششــی و الزام زنان شــهر تیمبوکتو به رعایت حجاب و پوشش تعیینی و ابلاغی برای حضور در جامعه و اجتماع نقض حقوق ایشــان و یک جرم مبتنی بر جنسیت است. این اتهام بعدها از سوی شعبه پیش‌دادرسی دیوان در سال ۲۰۱۹ نیز تأیید و بر اساس همان قــرار جلب به دادرســی صادر و محاکمه الحســن به اتهام ارتکاب جرائمی از جمله تعقیب و آزار جنسیتی آغاز شد.

در فرایند دادرســی وکلای متهم در رد اتهام تعقیب و آزار جنســیتی این استدلال را اقامه کردند که قواعد الزامی پوشش در تیمبوکتو تنها متوجه زنان و دختران نبوده است که رفتاری تبعیض‌آمیز نسبت به بخشی از جامعه یعنی زنان تلقی شود و بتوان آن را تعقیب و آزار مبتنی بر جنسیت و یک جنس خاص قلمــداد کرد، چراکه مردان نیز مخاطب این الزامات پوششــی بوده‌اند و بنابراین مسئله‌ای فراجنسیتی و غیرتبعیض‌آمیز بوده است. با این حال، دادرسان با رد این استدلال اعلام داشتند که میزان محدودیت‌های پوششــی زنان از یک سو و از آن مهم‌تر ضمانت اجرای اعمالی برای رعایت این محدودیت‌ها از سوی زنان نســبت به مردان بیشــتر و شــدیدتر بوده است و همین تبعیض و تفاوت و تنافر در واکنش به بدپوششی زنان و مردان به معنای یک رفتار تبعیض‌آمیز جنســیتی و در نهایت سازنده جرم تعقیب و آزار زنان بوده است.

از ســوی دیگر، بنابــر مقررات دیوان، تعقیــب و آزار تنها نقض یک حق و یک نقض صرف حقوق‌بشــری نیست که به آستانه جنایت علیه بشریت است که هر نقض حقوق بشری جنایــت بین‌المللی قلمداد نمی‌شــود. بلکــه نقض حقوق زنان و مردان آن زمان داخل در صلاحیت دیوان می‌شود که همراه با یکی از رفتارهای مجرمانه جرم‌انگاری‌شده در دیوان همراه شود. بر همین اساس، دادرسان محدودیت‌سازی‌های اعمال‌شــده از ســوی انصارالدین به زنان شــهر تیمبوکتو را تحقق‌بخــش جنایــت تعقیــب و آزار دانســتند چراکه این محدودســازی همراه با رفتارهایی مانند بازداشت و جلب و تعزیر و بدرفتاری با افراد متخلف از قواعد اعلامی بود.

ســرانجام و پــس از ماه‌ها محاکمه، دادرســان شــعبه دادرســی دیوان در تیر ۱۴۰۳، با احــراز ارتکاب جنایت علیه بشــریت و جنایت جنگی از سوی الحســن به واسطه انجام رفتارهای مجرمانه‌ای مانند شــکنجه، مثله‌کردن، رفتارهای غیرانســانی و «تعقیب و آزار» او را به تحمل ۱۰ ســال زندان محکــوم کردند. با این حــال، اتهام تعقیــب و آزار مبتنی بر جنســیت در محکومیت نهایی نیامد و الحســن از آن تبرئه شد. البته، اکثریت سه دادرس شــعبه دادرسی پذیرفتند که رفتارهای صورت‌گرفته و از آن جمله تحمیل قواعد اجباری پوشــش و الزام بــه رعایت حجاب تعریف‌شــده از ســوی انصارالدیــن به دلیل هدف قراردادن خــاص زنان و دختران تیمبوکتو یک تعقیب و آزار مبتنی بر جنسیت بوده است، اما با مســئول قلمدادکردن شخص الحســن در قبال این عنوان مجرمانــه بنابر دلایــل حقوقی و از آن جملــه وجود برخی عوامل رافع مسئولیت فردی مانند اکراه موافقت نکردند.

به دنبال صدور حکم محکومیت الحسن، دادستان دیوان به دلیل بر مســند قبول ننشســتن اتهام تعقیب و آزار مبتنی بر جنسیت نسبت به رأی صادره اقدام به تجدیدنظرخواهی کرد تــا این اتهام مجــدد مورد ابــرام و تأیید قــرار بگیرد و نخســتین حکم محکومیت نسبت به تعقیب و آزار جنسیتی در یــک محکمــه بین‌المللی صــادر شــود؛ چنانکه وکلای متهم نیز نســبت بــه محکومیت صادره علیــه موکل خود تجدیدنظرخواهــی کردنــد. با ایــن حال در روزهــای پایانی آذرماه دادســتان دیوان اعلام کرد با توجه به ابراز پشیمانی و ندامت الحســن از رفتارهای خــود و عذرخواهی از مردم تیمبوکتو تصمیم گرفته اســت تا به همــراه وکلای متهم از تجدیدنظرخواهی خود انصراف دهند.

با این وجود، قطعی‌شدن حکم محکومیت الحسن بدون دربرداشــتن اتهام «تعقیب و آزار جنســیتی» به معنای عدم ورود دیوان نســبت به مســئله حجاب نیســت. واقعیت آن اســت که دادرســان دیوان تحمیل قواعد و احکام شریعت براســاس تفســیر انصارالدین و از آن جملــه قواعد الزامی پوشــش را از منظری دیگــر مصداق نقض یکــی از حقوق بنیادین مردم تیمبوکتو و بالمآل رفتار ســازنده تعقیب و آزار دانســتند، یعنی حق آزادی مذهب. دادرسان دیوان استدلال کردنــد که تحمیل الزامات تعیین‌شــده که براســاس باور و مذهــب انصارالدین به مردم تیمبوکتــو صورت گرفت که از دید ایشان شهروندانی هرچند مســلمان اما غافل و بی‌اعتنا به احکام شــریعت بودند، نقض آزادی مذهب بوده است و همیــن تحمیل باورهای مذهبی از جملــه در ارتباط با زنان و شــیوه پوشــش و حضور ایشــان در اجتماع رفتار سازنده «تعقیب و آزار مذهبی» می‌تواند باشد که به دلیل گستردگی و ســازمان‌یافتگی و همچنیــن بــه دلیل آنکه در راســتای خط‌مشی و سیاست سازمانی انصارالدین مبنی بر پیاده‌سازی احکام شــریعت در تیمبوکتو بوده، به آســتانه جنایت علیه بشریت رسیده است.

به بیــان دیگر، هرچند الحســن به دلیــل تحمیل قواعد پوششی علیه زنان محکوم به تبعیض و تعقیب و آزار مبتنی بر جنســیت نشــد، اما این رفتار در کنار رفتارهای دیگر سبب محکومیت او به اتفاق آرا به ارتکاب «تعقیب و آزار مذهبی» از رهگذر ســلب آزادی مذهب شــهروندان تیمبوکتو و از آن جمله زنان بــا تحمیل باورهای مذهبی شــد. وجه مذهبی یافتــن این مســئله البتــه آن را پرچالش‌تر می‌کنــد، چراکه تبعیض جنسیتی بودن یک رفتار مانند قاعده‌گذاری در حوزه پوشــش در جایی که این قواعد به نحو یکســان نســبت به مردان و زنان اعمال شود یا بخشی از زنان جامعه داوطلبانه آن قواعد را اختیار و انتخاب کنند با تردید و تشــکیک جدی مواجه خواهد شــد. برخلاف وجــه مذهبی و دینی یافتن که آنگاه این دفاعیات چندان مؤثر به نظر نمی‌رسد.

انصارالدیــن یک گــروه غیردولتــی بود کــه اعضای آن محکــوم به ارتکاب جنایــات بین‌المللی داخل در صلاحیت دیوان شــدند. اما اکنــون و با قطعی‌شــدن رأی محکومیت الحســن که در کنار مســئله حجاب دربردارنــده رفتارهای دیگری مانند ازدواج اجبــاری و مجازات‌های بدنی نیز بوده است، این سؤال مطرح می‌شــود که یافته‌های دیوان در این باره چه اثری بر دولت‌ها و به‌خصوص دولت ایران می‌تواند داشته باشد که در نظام حقوقی آن رعایت حجاب شرعی به عنوان قانون وجهی الزام‌آور دارد و حتی با ضمانت اجراهای کیفری مورد پاسداشت قرار می‌گیرد. دولت ایران عضو دیوان نیســت تا یافته‌های این محکمه بین‌المللی به طور مستقیم بــرای آن اثر حقوقی رقم بزند. با این حال، توجه به این یافته و پیامدهــای آن از آن رو مهم اســت که با حکم دیوان برای نخستین بار مســئله و موضوع حجاب که همواره مسئله‌ای حقوق‌بشــری بوده که الزام آن با اســتناد بــه مباحثی مانند نســبیت فرهنگی و اخلاق عمومی به عنــوان یکی از موارد قانونــی محدودســازی آزادی‌های فردی مــورد دفاع بوده، اکنون وارد حوزه حقوق کیفری بین‌المللی شــده اســت که ظرفیت‌های بیشتری برای ایجاد چالش و پاسخ‌طلبی نسبت به عملکرد دولت‌ها از جمله از رهگذر فعال‌ســازی ظرفیت صلاحیت جهانی در ســطح ملی کشــورهای مختلف ایجاد می‌کند که حتــی در نبود صلاحیت محاکم بین‌المللی مانند دیوان در صورت تثبیت رفتار و واقعه‌ای به عنوان مسئله‌ای بین‌المللی می‌تواند چالش‌آفرین باشد. در این میان آنچه این چالش‌آفرینی را زمینه‌سازی می‌کند، کیفرگذاری و کیفردهی و میزان و نوع واکنش‌ها در مسئله پوشش است. سخن آخر آنکه، این تهدید جدید بــا ماهیت حقوقی مقتضی رصد این چالش‌هــای فراملی و گفتمان و هنجارســازی‌های در حال شکل‌گیری و متعاقب آن چاره‌اندیشی و اتخاذ تدبیر به‌موقع و مؤثر به جای بی‌تفاوتی و ناآگاهی پیشــه ســاختن اســت، چراکه «جنگ حقوقی مسئله ما است».

حقوق حیوانات

پل واتسون؛ ۴۰ سال تلاش برای حفاظت از اقیانوس‌ها

سپهر سلیمی: پل واتسون (Paul Watson)، یکی از فعــالان سرشــناس و الهام‌بخش محیط زیســت و حقوق حیوانات در جهان اســت. در ماه‌های اخیر پرونده جدید کشور ژاپــن علیه او یکــی از خبرهای مورد توجه محیط‌زیستی‌های جهان بوده است. معرفی او که طرفــداران زیادی نیــز در ایران دارد، از این جهت لازم اســت که فعالان محیط زیست به اهمیت تداوم کنشگری مسئولانه و استفاده از روش‌های متنوع برای افزایش اثرگذاری آشنا شوند.

واتســون بنیان‌گذار «انجمن حفاظتی چوپان دریا» Sea Shepherd Conservation Society و «بنیــاد کاپیتــان پــل واتســون» Captain Paul Watson Foundation اســت. فعالیت‌های ایــن انجمن‌های ضد شــکار بر روی کنشــگری برای حفاظت از موجودات دریایی متمرکز اســت. او معتقد است «اقیانوس‌ها ستون‌فقرات حیات روی زمین هســتند» و بــدون آنهــا زندگی روی سیاره زمین به خطر خواهد افتاد. بر همین اســاس، تمرکز اصلــی او روی حفاظت از حیات وحش دریایی است. پل واتسون یکی از بنیان‌گذاران صلح ســبز بود، اما در سال ۱۹۷۷ از این ســازمان کناره‌گیری کرد؛ زیرا نگرش واتسون با اصولی که صلح سبز به آن معتقد است، مغایرت داشت. صلح سبز به اعتراض و اطلاع‌رســانی صرف معتقد است؛ درحالی‌که واتسون به یک استراتژی عمل مستقیم در برخورد با مخربان محیط زیســت معتقد است. واتســون بعدها در مصاحبه‌ای علیه صلح سبز و سازمان‌های دیگــر و نقــش و انگیــزه آنهــا در ایجاد کمپین‌های ضد شکار فوک‌ها صحبت کرد. او این سازمان‌ها را متهم کرد که علیه شکار فوک‌هــای کانادایی مبــارزه می‌کنند؛ چون راهی آســان برای جمــع‌آوری کمک‌های مالی اســت. جلوگیری از شــکار نهنگ‌ها، دلفین‌هــا و دیگــر گونه‌هــای در معرض خطر انقــراض، مبارزه علیه شــکار نهنگ در کشــورهایی مانند ژاپن، نروژ و ایســلند، مبــارزه با شــکار دلفین در خلیــج تایجی ژاپن با استفاده از روش‌هایی مانند برخورد مستقیم با کشتی‌های غیرقانونی، استفاده از روش‌های خلاقانه و گاهی خشونت‌آمیز مانند تخریب تورهای ماهیگیری غیرقانونی یا مســدودکردن حرکت کشــتی‌ها، در کنار آموزش، آگاهی‌رســانی و عملیات میدانی بخشــی از فعالیت‌های او برای حفاظت از محیط زیســت دریایی در سال‌های گذشته بوده است. واتســون تاکنون شش کتاب با عناوین «نیروی زمین: راهنمای اســتراتژی بــرای جنگجویان زمیــن»، «جنگ فوک‌ها: ۲۵ سال در خط مقدم حفاظت از فوک‌های گرینلند»، «جنگجــوی اقیانوس: مبارزه من برای پایــان‌دادن به کشــتار غیرقانونی در دریاهــای آزاد»، «جنــگ علیــه طبیعت»، «ما اقیانوس هســتیم» و «جنگجوی زمین: ماجراجویی بــا انجمن حفاظــت دریایی چوپان دریا» منتشــر کرده است. همچنین در حداقل هفت مســتند حضور داشته که معروف‌تریــن آنها مســتند جنگ نهنگ‌ها «Whale Wars» در مــورد تلاش‌های او و گروهش بوده اســت. واتسون با سابقه ۴۰ ســال حفاظت از محیط زیســت و حیات وحش، به‌شــدت به رژیم کاملا گیاه‌خواری پایبند اســت و ایــن مســئله را از الزامات حفاظت از محیط زیست، حمایت از حقوق حیوانات و حفاظت از اقیانوس‌ها می‌داند. در کشتی‌های ســازمان او، تمام وعده‌های غذایــی وگان هســتند. واتســون از ســال ۱۹۸۰ تا به امروز بــه دلیل فعالیت‌هایش و بــا اتهامات مختلف، چندیــن بار جریمه و با حکم بازداشــت روبه‌رو شده است. او بارها توسط کشــورهایی مانند ژاپن، نروژ و کاســتاریکا تحت پیگرد قانونی قرار گرفته اســت. در آخرین مورد، جولای سال ۲۰۲۴ ایــن فعال ۷۳ســاله ضد شــکار نهنگ به دســتور دادگاهی در گرینلند بازداشت شد. بازداشت او بر اساس اخطار قرمز اینترپل در ســال ۲۰۱۲ صورت گرفت. این اخطار پس از اینکــه ژاپن او را متهم کــرد که به یکی از کشتی‌های شــکار نهنگ ژاپنی در قطب جنوب آسیب رسانده است، صادر شده بود. این دســتگیری واکنش‌های متعددی را در جامعه بین‌المللی برانگیخت و در نهایت پــس از آنکه وزارت دادگســتری دانمارک درخواســت استرداد او به ژاپن را نپذیرفت، در هفته گذشته از بازداشت در گرینلند آزاد شــد و به فرانسه بازگشــت. واتسون پس از بازگشــت به فرانســه، اعلام کرده است به مبارزه خــود برای پایــان‌دادن به صید نهنگ در سراسر جهان ادامه خواهد داد و هدفش متوقف‌کردن شکار نهنگ در تمامی کشورهاست.